

عصمت مطلقه پیامبر اکرم ﷺ و نقد دیدگاه معتزله و اشاعره

محمد خانی
عضو حلقه علمی کلام

چکیده: گستره عصمت پیامبر اکرم ﷺ یکی از مهمترین مباحث مطرح در کلام اسلامی است. اشاعره در این زمینه برآنند که پیامبر اکرم ﷺ تنها پس از بعثت و در ارتکاب گناه کبیره معصوم است. معتزله بر خلاف اشاعره معتقدند که پیامبر پیش از بعثت نیز معصوم است اما ارتکاب گناهان صغیره را در غیر امور مربوط به تشریح با این مقدار از عصمت ناسازگار نمی‌دانند. از دیدگاه شیعیان پیامبرگرامی اسلام از ابتدای تولد تا پایان عمر از هر گونه خطا، اشتباه و گناه معصوم بوده‌اند. این تبیین از عصمت را به اصطلاح عصمت حداکثری می‌گویند. در این نوشتار به نقد دیدگاه اشاعره و معتزله و تبیین دیدگاه شیعه پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: عصمت پیامبر، عصمت حداکثری، اشاعره، معتزله دلیل اعتماد، دلیل خاتمیت، دلیل معجزه، دلایل نقلی.

مقدمه

اصل وجود عصمت مورد پذیرش تمام فرق اسلامی است اما درباره قلمرو آن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. بیشتر دانشمندان مسلمان در بحث از قلمرو عصمت معصومان، دو مرحله کلی را مورد بررسی قرار می‌دهند: نخست عصمت در دریافت و

ابلاغ وحی و دیگر عصمت از گناهان. برخی نیز بین عصمت در تلقی وحی و تبلیغ آن فرق گذارده‌اند.^۱ عصمت پیامبران از گناهان نیز شامل عصمت در اعتقادات، گناهان صغیره و کبیره عمدی و سهوی است. عصمت در تطبیق و تشخیص موضوعات احکام شرعی، تشخیص مصالح و مفاسد در امور مربوط به زندگی اجتماعی و شخصی از جمله دیگر قلمروهای عصمت است. تطبیق احکام شرعی عبادات و معاملات به معنای وسیع آن را در بر می‌گیرد.

در مورد تشخیص مصالح و مفاسد این پرسش مطرح است که آیا پیامبر اکرم ﷺ در زندگی اجتماعی و در اجرای همه احکام مربوط به آن معصوم بوده‌اند؟ آیا نبی مکرم اسلام ﷺ در تطبیق احکام الهی و تشخیص موضوعات مصون از خطا بوده‌اند؟ آیا در ایجاد قرابت‌های خویشاوندی معصومانه عمل کرده‌اند؟ آیا در تأمین بناها مانند مساجد معصوم و مصون از خطا بوده‌اند؟ آیا در اداره جامعه و رهبری حکومت اسلامی، عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها، جنگ‌ها، صلح‌ها، انعقاد قراردادها و در شیوه دعوت به دین اسلام معصوم بوده‌اند؟ آیا در وضع قوانین اجتماعی و امنیتی مصون از خطا و اشتباه بوده‌اند؟ در تجویز داروها و درمان چطور؟ خلاصه آیا پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر عصمت در تلقی و تبلیغ وحی و عصمت از گناه، در امور دیگر زندگی خویش معصوم بوده‌اند؟ از سویی ادعای جاودانگی و جامعیت دین اسلام و از دیگر سو تنوع مباحث سیاسی و حکومت‌داری که از آن به عنوان نظام سیاسی اسلام یاد می‌شود، بر ضرورت این بحث افزوده است.

با توجه به جاودانگی و جامعیت دین اسلام، اگر عصمت پیامبر اکرم ﷺ در همه ابعاد آن ثابت شود شامل موضوعات بسیاری مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی، مباحث حکومت و رهبری (نظام سیاسی اسلام)، معماری، کشاورزی، صنعتی و ... خواهد شد و دانشمندان دانش‌های باد شده می‌توانند به قول و عمل پیامبر ﷺ استناد نموده و آنها را به عنوان موضوعات اسلامی مطرح نمایند.

به عبارت دیگر اگر عصمت پیامبر اکرم ﷺ را در تمام ابعاد زندگی بپذیریم، می‌توانیم به تک‌تک گزاره‌های قولی و عملی ایشان تمسک نموده و فعل و تقریر حضرت‌تش را به عنوان یک اصل مسلم مورد استفاده قرار دهیم. با این حال جای شگفتی است که این موضوع در میان مباحث کلامی و آثار متکلمان به طور مبسوط مطرح نشده است. البته برخی از صاحب نظران معاصر به این مسئله اشاره کرده‌اند و

۱. سید محمدحسین طباطبایی، لمیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۳۴.

آن را نوعی از عصمت دانسته‌اند اما به تفصیل در مورد آن سخن نگفته‌اند.^۱ علامه طباطبایی ضمن تقسیم اقسام عصمت به عصمت از خطا در تلقی وحی، تبلیغ آن و گناهان، تشخیص مصالح و مفاسد امور خارجی و خطای در ادراکات و حواس را خارج از بحث عصمت می‌داند و به آن نمی‌پردازد.^۲ استاد مصباح یزدی نیز بحث سهو و نسیان معصومین علیهم‌السلام در امور مباح و عادی را جزء اعتقادات ضروری نمی‌داند.^۳ البته استاد سبحانی به این موضوع پرداخته‌اند و آن را از اقسام عصمت دانسته و دائرة آن را محدود به سهو در نماز، اشتباه در اجرای حدود و امور عادی و شخصی نموده است^۴ که به نظر کافی نمی‌رسد. بر این اساس به بررسی موضوع عصمت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از دیدگاه اشاعره، معتزله و شیعه می‌پردازیم.

دیدگاه اشاعره

بزرگان اشاعره مانند ایچی^۵، تفتازانی^۶ و فخر رازی^۷ در بحث از ابعاد عصمت انبیاء آن را به عصمت در دریافت و ابلاغ وحی، عصمت از گناهان به صورت سهوی و عمدی در پیش از بعثت و پس از آن منحصر نموده‌اند و از موضوعات یاد شده بحث نکرده‌اند. به عبارت دیگر بیشتر دانشمندان اشعری به بعد عمدی بحث عصمت که شامل عدم انجام گناه و عدم ترک واجب است پرداخته‌اند اما درباره بعد وجودی که شامل اجزاء و تشخیص موضوعات است بحثی را مطرح نکرده‌اند.

اما با توجه به همین مباحث می‌توان دیدگاه اشاعره در بخش‌های یاد شده را به دست آورد.

بر اساس دیدگاه بیشتر اشاعره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دریافت و ابلاغ وحی مصون از گناه عمدی و سهوی بوده‌اند و هرگونه خطا در این مرحله با اعجاز ایشان ناسازگار است.^۸

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقائد، ص ۲۰۱.

۴. جعفر سبحانی، الالهیات، ج ۴، ص ۱۹۱.

۵. عبدالرحمن ایچی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۸۸.

۶. مسعودبن عمر تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۵۰.

۷. محمدبن عمر فخر رازی، عصمة الانبیاء، ص ۹.

۸. عبدالرحمن ایچی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۸۸. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۵۰. محمدبن عمر رازی (فخر الدین)، تفسیر الکبیر، ص ۹.

آنان در عصمت از گناهان نیز آنرا محدود به عصمت از گناه کبیره عمدی کرده‌اند اما انجام گناه در قبل از بعثت و گناه سهوی و عمدی صغیره را جایز می‌دانند.^۱

دلیل اشاعره

مهمترین دلیل ایشان در این باره، اعجاز پیامبر اکرم ﷺ است. به این بیان که معجزه پیامبر ﷺ دلیل بر صدق و راستگویی ایشان و عدم خطای او در دریافت و ابلاغ وحی است، زیرا اعجاز امری خارق عادت است که جز با عنایت حق تعالی صادر نمی‌شود. بنابراین اعطای معجزه، به پیامبر ﷺ به معنای تأیید او محسوب می‌شود.

نقد و بررسی

بر اساس دیدگاه اشاعره باید در مواردی مانند مراحل مختلف دعوت، هجرت، بیان احکام، انتخاب و ارسال مبلغان، و آنچه قرآن کریم پیامبر اکرم ﷺ را مأمور به ابلاغ آن نموده است و هر امری که در راستای تبلیغ دین محسوب می‌شود معصوم باشد در حالی که به این مطلب معتقد نیستند.

به نظر می‌رسد دلالت معجزه بر صدق پیامبر ﷺ علاوه بر اثبات اصل نبوت، آموزه‌ها و همه افعال و سیره پیامبر را نیز ثابت می‌کند. این اثبات اگرچه به صورت مستقیم نیست اما از راه ملازمه و به صورت غیر مستقیم بر آن دلالت دارد.

معجزه نشان دهنده آن است که آورنده آن پیامبر خداوند است و به عنوان پیامبر، می‌خواهد رهبری معنوی و مادی مردم را به دست گرفته است و انسان‌ها را به کمال و قرب الهی برساند حال در این مسیر هر امری که به این هدف خلل وارد کند نادرست است. پیامبر اکرم ﷺ در صورتی می‌تواند نقش پیامبری و رسالت خویش را کامل ایفا کند که احکام و دستورات الهی را به صورت صحیح و به دور از هر گونه خطا و لغزش اجرا نماید و هدف از بعثت را محقق سازد چرا که اگر پیامبر ﷺ فقط مأمور به ابلاغ وحی صحیح بوده اما به نحوه اجرای آن توجهی نداشته و در این بخش معصوم نبوده است، هدف بعثت محقق نخواهد شد. به عبارت دیگر پیامبر اسلام ﷺ دو وظیفه داشته است، یکی دریافت و ابلاغ وحی و دیگر تطبیق و اجرای همه آن آموزه‌ها، احکام و معارف و حیانی. هر گونه خطا و اشتباه در هر کدام از این دو وظیفه رسالت و پیامبری را زیر سؤال خواهد برد.

اشتباه اشاعره تفکیک بین حوزه دریافت و ابلاغ وحی و سایر امور است در حالی که

۱. عبدالرحمن ایچی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۰۵.

با توجه جامعیت و جاودانگی دین پیامبر ایشان در همه حال به وظیفه تبلیغ و نشر احکام و معارف مشغول بوده است.

فخر رازی در اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از ارائه دلیل اعجاز، قدرت ایشان بر تکمیل نفوس ناقصه مردم را قوی‌ترین و کامل‌ترین دلیل می‌داند.^۱ حال سؤال اینجاست پیامبری که عهده‌دار وظیفه سنگین تکمیل نفوس مردم است، چگونه ممکن است دچار خطا و لغزش شود؟ آیا تشخیص مصالح و مفاسد در امور رهبری سیاسی، احکام دینی و مسائل عادی زندگی در تکمیل و هدایت نفوس مردم بی تأثیر است؟ آیا صرف دریافت و ابلاغ معصومانه وحی برای این هدف بزرگ - بدون تشخیص موضوعات و اجرای صحیح آنها - کافی است؟ آیا اجرای احکام، تشخیص موضوعات و مصالح و مفاسد در امور رهبری و فردی از متعلقات و شؤون نبوت نیست؟ آیا جز این است که این موارد در راستای تبلیغ و بیان احکام و در نتیجه تکمیل و هدایت مردم صورت می‌گیرد؟

دیدگاه معتزله

معتزله هر چند عصمت در تشخیص جزئیات و عبادات را قبول ندارند اما قلمرو عصمت معصومان را گسترده‌تر از اشاعره می‌دانند. اینان به عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در قبل از بعثت و پس از آن معتقدند اما صدور گناهان صغیره را از پیامبر ممکن می‌دانند.^۲ ایشان معتقدند که گناهان صغیره و غیر نفرت‌آور ضرری جز کم کردن ثواب ندارند و سبب خروج از ولایت الله نمی‌گردند بنابراین صدور چنین گناهانی از شخص معصوم اشکالی ندارد.^۳

دلیل معتزله

قاضی عبدالجبار برای اثبات عصمت معصومان به دلایل متعددی مانند ارتباط عصمت و بعثت، اعجاز و بعثت و نفرت تمسک کرده است.^۴ آنچه از مجموع عبارات

۱. محمدبن عمر رازی، المطالب العالیة من العلم الالهی، ج ۸، ص ۶۱-۶۴.

۲. عبدالجبار اسدآبادی همدانی، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۱۵، ص ۳۰۴ و ۳۷۸ و ابن‌الحدید عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۸.

۳. عبدالجبار اسدآبادی همدانی، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۱۵، ص ۳۰۹.

۴. عبدالجبار اسدآبادی همدانی، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۱۵، ص ۲۸۱، ۲۸۷، ۳۰۰.

این دانشمند معتزلی برداشت می‌شود آن است که پیامبران در دریافت و تبلیغ وحی، ارتکاب گناهان و آنچه باعث نفرت مردم می‌شود در قبل و بعد از بعثت (صغیره و کبیره) معصوم هستند اما صدور سهوی آنچه مربوط به غیر شریعت می‌شود (امور عادی و تشخیص مصالح دنیوی و ...) از ایشان جایز است. دلیل ایشان بر صدور سهو در نماز و مانند آن این است که پیامبر احکام آن را قبلاً بیان نموده و برای مردم مشتبه نمی‌شود.

نقد و بررسی

اشکالات مطرح شده بر دیدگاه اشاعره و قلمرو دلالت معجزه، بر این دیدگاه نیز وارد است. به علاوه مردم زمان پیامبر ﷺ چگونه باید تشخیص دهند که پیامبر، فعلی خاص را پیش از این به صورت صحیح انجام داده‌اند تا اگر اشتباهی صورت گرفت آن را حمل بر صدور سهوی کنند؟ و اگر پیامبر اکرم ﷺ برای نخستین بار حکمی را بگوید که مردم شکل صحیح آن را ندیده باشند و در این حکم اشتباهی صورت گیرد مردم چگونه سهو و اشتباهی بودن آن حکم را تشخیص می‌دهند؟ به‌ویژه که پیامبر اکرم ﷺ تا اواخر عمر شریفشان مشغول به بیان احکام تأسیسی بودند.

سؤال دیگر اینکه آیا صدور سهو و اشتباه از پیامبر ﷺ در تشخیص مصالح و مفاسد، عبادات، امور مربوط به رهبری، و... موجب نفرت مردم و دوری آنها از پیامبر ﷺ نخواهد شد و مردم چنین سهوهایی را به سهو در تبلیغ و دریافت وحی سرایت نخواهند داد؟ و آیا مردم در مقابل چنین اشتباهات و سهوهایی به پیامبر اعتماد خواهند کرد؟^۱ آیا با چنین خطاهایی مصالح بندگان و هدف بعثت پیامبران^۲ تحقق خواهد یافت؟ با توجه به اسوه و الگو بودن پیامبر ﷺ در همه حالات و زمان‌ها^۳ با وجود چنین اشتباهات و خطاهایی می‌توانیم ایشان را الگوی کامل خود قرار دهیم؟

دیدگاه شیعه

شیعه امامیه پیامبران و ائمه را در همه بخش‌های زندگی‌شان از جمله تشخیص مصالح و مفاسد موضوعات و مسائل عادی زندگی و رهبری سیاسی جامعه معصوم

۱. اشاره به دلیل لطف و انجام اصلاح معتزله است که می‌گویند: اطمینان و سکون نفس مردم به کسی از گناهان به دور باشد بیشتر است.

۲. اشاره به دلیل نقض غرض از بعثت پیامبران در عصمت ارتکاب گناهان است.

۳. اشاره به دلیل تأسیس و تربیت معتزله.

می‌دانند. گفتار پیشوایان دینی و بزرگان علمی شیعه بیان‌گر این حقیقت است.^۱ شیخ صدوق در بین امامیه به ظاهر مخالف این دیدگاه است، اما به نظر می‌رسد او نیز با دیگر عالمان شیعه هم‌رای است. وی از سهو نبی سخن می‌گوید و از آن به سهو رحمانی تعبیر می‌کند بنابراین نسبت دادن نظریه سهو شیطانی نسبت به او صحیح نیست.^۲

برای شناخت گستره عصمت پیامبر ابتدا لازم است شؤون و وظائف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شناخته شود.

شؤون و مناصب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت انسان‌ها از جمله مهم‌ترین وظائف مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌رود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

در آیه دیگر نیز می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ «همان‌طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم [که] آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد».

تعبیر تعلیم و تزکیه به صورت مطلق همه معارف الهی و دنیوی که در راستای تکامل انسان‌ها صورت می‌گیرد را شامل می‌شود.

۱. روایاتی از ائمه طاهرين: رسیده مانند: انا و علی و الحسن و الحسين و تسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون (بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۱) و نیز عبارات دانشمندان شیعه: بابویه قمی (شیخ صدوق) الاعتقادات، ص ۳۶، اوائل المقالات، ص ۶۲، کشف المراد، ص ۳۴۹ ...

۲. جهت مطالعه پیشتر مراجعه کنید به مجله تخصصی کلام اسلامی، محمدی راد، حمید، سهو النبی صلی الله علیه و آله و سلم شماره ۲۴ سال ششم.

۳. جمعه/۲.

۴. بقره/۱۵۱.

باید توجه داشت که پیامبر اکرم ﷺ به خاطر دارا بودن تمام ویژگی‌های برتری بخش به کامل‌ترین شکل، رهبری معنوی و مادی مردم را عهده‌دار بوده‌اند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾؛ «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است». اولی بودن به دلیل این است که اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست و چنین تبعیتی، سزاوارتر از تبعیت از خویش است.^۲ از این هدف در برخی آیات به «نجات از تاریکی‌ها»^۳ تعبیر شده است.

۲. برقراری عدالت

برپایی قسط و عدل در همه شؤون آن از اهداف مهم پیامبر اکرم ﷺ است. در این باره قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ﴾^۴ در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾^۵. پیامبر اکرم ﷺ با برقراری حکومت اسلامی باطل را آشکار ساخت و ظالمان را در هم کوبید و دین حق را که عدالتش فراگیر بود ظاهر نمود. حضرت علی ع درباره این ویژگی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «و عدل فی کل ما قضی»^۶.

۳. داوری در اختلاف‌های مردم

قضاوت و رفع اختلاف بین مردم یکی از وظائف مهم پیامبران^۷ از جمله پیامبر گرامی اسلام ﷺ است، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۸؛ «ولی چنین نیست به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده‌ای در

۱. احزاب/۶

۲. طوسی، محمدبن حسن، التبیان، ج ۸، ص ۳۱۷.

۳. ابراهیم/۱.

۴. شوری/۱۵.

۵. اعراف/۲۹.

۶. «در آنچه حکم راند دادگری کرده است» نهج البلاغه، خ ۲۱۴.

۷. «مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آنان کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند». بقره/۲۱۲.

۸. نساء/۵۸.

دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند». در قرآن کریم اهداف دیگری نیز برای بعثت انبیاء بیان شده است مانند آزادی انسان‌ها،^۱ سفارش به اخلاق ستوده،^۲ یادآوری نعمت‌ها^۳ و

حال اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این وظایف که بیشتر آنها ناظر به تشخیص موضوعات و امور اجرایی است دچار خطا و لغزش یا سهو گردد چگونه به آن اهداف بلند و آسمانی نائل خواهد آمد و مردم جامعه خویش را به سعادت خواهند رساند؟ اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تشخیص مصالح و مفاسد امور چه در رهبری سیاسی و چه در تشخیص موضوعات احکام دینی و نیز در قضاوت و رفع اختلاف بین مردم معصوم نباشد، وجوب اطاعت بی قید و شرط و تسلیم مطلق در برابر او هم که در قرآن کریم بر آنها تأکید شده است بی‌معنا خواهد بود.

از این‌رو فخر رازی در ذیل آیه باد شده (داوری بین انسان‌ها) تصریح می‌کند که این آیه بر عصمت انبیاء صلی الله علیه و آله از خطای در فتوی و حکم دلالت دارد، زیرا خداوند اطاعت از ایشان را واجب شمرده و تسلیم واقعی را در برابرشان لازم نموده است. این امر، صدور خطا را از ایشان نفی می‌کند.^۴ به عبارت دیگر باید گفت که چگونه ممکن است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رهبری امت اسلامی را تا قیامت بر عهده داشته باشد و در همه امور راهنمای آنان باشد و عدالت واقعی و حقیقی را در جامعه اجرا نماید و در یک کلام، اسوه همه جانبه مردم باشد اما خود در تشخیص مصالح و مفاسد امور و احکام و امور عادی دچار خطا و لغزش یا سهو گردد؟

الف) دلایل عقلی

با نگرشی جامع به این موضوع می‌توان گفت که بیشتر دلایل مطرح شده درباره اثبات عصمت در حوزه دریافت و ابلاغ وحی و گناهان، این حوزه از عصمت را نیز دربر می‌گیرد.

۱. اعراف/۱۵۷.

۲. انعام/۱۵۳-۱۵۱.

۳. اعراف/۶۹ و ۷۴.

۴. محمد بن عمر رازی (فخرالدین) مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۲۹.

۱. تلازم بعثت و عصمت

هدف از بعثت پیامبران و آفرینش انسان‌ها تنها زمانی محقق خواهد شد که پیام الهی بدون هیچ‌گونه کاستی و به‌دور از هرگونه دخل و تصرف (عمدی یا سهوی) به دست مردم برسد. در غیر این صورت این هدف محقق نخواهد شد. به عبارت دیگر هدف از بعثت پیامبران و ابلاغ وحی در صورتی کاملاً محقق می‌گردد که پیامبران همه معارف و حیانی و الهی را عملی کنند. برای رسیدن به این هدف لازم است تا پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر دریافت معصومانة معارف الهی در مرحله اجرا نیز معصومانه عمل نموده و بدون خطا و اشتباه، زمینه هدایت کامل بشر را فراهم کند.

عبارت‌ها و استدلال‌های بدون قید و شرطی که از سوی دانشمندان شیعه مطرح شده، ناظر به این نوع از عصمت معصومان است؛ شیخ طوسی در این باره می‌نویسد: «و يجب فی النبی العصمة لیحصل الوثوق فیحصل الغرض^۱»؛ شیخ مفید این مطلب را به‌صورت پرسش و پاسخ مطرح می‌کند و می‌نویسد: فان قيل: ما الدلیل علی انه معصوم من اول عمره الی آخره؟ فالجواب ذلک انه لو عهد منه فی سالف عمره سهو او نسیان لارتفع الوثوق عن اخباراته... فتبطل فائد البعثة^۲. فاضل مقداد^۳ و استاد سبحانی^۴ نیز مانند این تصریحات را بیان کرده‌اند.

تعبیر به مطلق «عصمت» در عبارت شیخ طوسی و فاضل مقداد و دیگران^۵ گویای مطلب یاد شده است. شیخ مفید حتی سهو و فراموشی در زمان پیش از پیامبری و امامت معصومان را نیز نمی‌پذیرد و آن‌را ناسازگار با فائده و غرض بعثت می‌داند.

۲. اعتماد

درباره دلالت این دلیل بر عصمت معصومان در حوزه دریافت وحی و گناهان گفته

۱. حسن بن یوسف حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، پیشین، ص ۳۴۹.

۲. «اگر سؤال شود: چه دلیلی بر عصمت از ابتدای عمر تا آخر عمر معصومین دارید می‌گوئیم: اگر در گذشته عمرشان سهو یا نسیانی گزارش شود اطمینان مردم از بین خواهد رفت و در نتیجه فایده بعثت منتفی خواهد گشت» البغدادی (الشیخ المفید)، النکت الاعتقادیه، پیشین، ص ۳۷.

۳. «... لسوالات العصمة لزم نقض غرض الحکیم» مقدادبن عبدالله الحلی، اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، پیشین، ص ۲۴۵.

۴. «ان ثقة الناس بالانبياء و بالتالی حصول الغرض من بعثتهم انما هو رهن الاعتقاد بصحة مقالهم و سلامة افعالهم» جعفر سبحانی، الالهیات پیشین، ج ۳، ص ۲۷.

۵. محمدبن حسن الحرالعالمی، التنبيه بالمعلوم، پیشین، ۱۱۱.

شده است^۱ که اگر پیامبران در دریافت و ابلاغ وحی و در کارهایشان معصوم نباشند، اعتماد و اطمینان مردم از آنان سلب خواهد شد و در نتیجه هدف بعثت محقق نخواهد شد.

دلالت این دلیل بر مسئله مورد بحث ما بسیار واضح است زیرا بیشتر مردمان با مشاهده حتی کوچک‌ترین لغزش (هر چند به صورت اشتباهی) از سوی بزرگان از آن چشم‌پوشی نمی‌کنند و در نظرشان بزرگ جلوه داده می‌شود.

۳. اعجاز و عصمت

این دلیل نیز مانند دلایل یاد شده، عصمت معصومان در اجرای احکام و تشخیص مصالح و مفاسد را ثابت می‌کند. توضیح کامل دلالت این دلیل در بخش دیدگاه معتزله گذشت.

۴. لطف

با توجه به معنای قاعده لطف^۲ باید گفت که کامل‌ترین مرتبه لطف آن است که شخص معصوم از هر گونه خطا به دور باشد. نیز در امر رهبری، به گونه‌ای عمل کند که مسلمانان را به اطاعت خدا نزدیک نماید و از معصیت دور سازد. به همین دلیل نباید دچار سهو و خطا گردد و در امور شخصی و جزئی نیز معصوم از خطا باشد. در چنین فرضی است که لطف بودن عصمت معنا می‌یابد. قاضی عبدالجبار از بزرگان معتزله نیز به این مسئله اشاره کرده است.^۳

۵. نفرت

معصیت پیامبر قبل از بعثت و پس از آن باعث ایجاد نفرت مردم به او می‌گردد. مردم نیز در مقابل کسی که گناه‌کار است آرام نخواهند بود^۴. علاوه بر بزرگان امامیه، دانشمندان معتزله نیز این دلیل را مطرح کرده‌اند. قاضی

۱. حسن بن یوسف حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۴۹.

۲. لطف چیزی است که انسان را به اطاعت خداوند نزدیک می‌کند و از معصیت دور می‌سازد؛ حلی، حسن بن یوسف، انوار الملکوت، ص ۱۵۳.

۳. عبدالجبار اسدآبادی همدانی، المغنی، ص ۲۸۱.

۴. محمد مهدی نراقی، انیس الموحدین، ص ۹۹.

عبدالجبّار این دلیل را با بیان‌های گوناگون بادآور شده است و آن را به عنوان یک اصل مورد توجه قرار داده است. او در این باره می‌نویسد: «واجب است پیامبر از هرگونه عمل نفرت‌آوری چه صغیره و چه کبیره به دور باشد زیرا در غیر این صورت هدف از بعثت تحقق نخواهد یافت»^۱.

بر این اساس اگر پیامبر ﷺ در امور مهم مربوط به رهبری و حکومت و نیز در اجرای احکام و امور شخصی دچار سهو و خطا گردد، این مسئله موجب دوری مردم از ایشان نخواهد شد؟

۶. عصمت و خاتمیت

همه مسلمانان بر آنند که پیامبر اسلام ﷺ خاتم پیامبران است و پس از ایشان پیامبری نخواهد آمد. لازمه خاتمیت، جامعیت و جاودانگی اسلام برای همیشه است که باید پیامبر در همه امور دارای ملکه عصمت باشد، زیرا مردم بر اساس گفتار و رفتار ایشان عمل خواهند کرد.

۷. ضرورت عصمت حاکم اسلامی^۲

بر اساس براهین عقلی، ولایت حقیقی و بالأصله از آن خداوند متعال است^۳ و از میان انسان‌ها فقط کسانی می‌توانند جانشین خداوند باشند که در مقام علم و عمل معصوم باشند و هیچ‌گونه خطا و لغزشی نداشته باشند. در تأیید این برهان عقلی بیان‌های نقلی فراوانی وجود دارد از جمله این آیه شریفه:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾^۴؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.»
لازمه اطاعت مطلق و بی‌قید و شرط از رسول و اولی الامر، عصمت همه جانبه آنان است زیرا کسی که در علم و عملش احتمال اشتباه وجود داشته باشد، اطاعت از او

۱. عبدالجبّار اسدآبادی همدانی، المغنی، پیشین.

۲. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت، ص ۹۷.

۳. ﴿فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ﴾؛ شوری/۹.

۴. نساء/۵۹.

مطلق نیست بلکه مقید به تطبیق خواست او با خواست خداوند است!^۱ برخوردار از ملکه عدالت نیز در این امر کافی نیست زیرا عدالت از عصیان عمدی جلوگیری می‌کند اما مانع از سهو و نسیان نیست. بنابراین باید گفت که شأن پیامبر (به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) شأن هدایت و رهبری مردم و رساندن آنان به کمال و سعادت است، از این‌رو هر امری که به این هدف خدش‌های وارد سازد نادرست خواهد بود.

ب) دلائل نقلی

آیات و روایاتی که عصمت معصومان در دریافت و ابلاغ وحی و گناهان را ثابت می‌کنند، موضوع مورد نظر ما را نیز می‌توانند ثابت کنند، زیرا محدوده دلالت و شمول آنها عام است. برخی از این آیات و روایات از این قرارند:

آیات؛

۱. پیامبر و صراط مستقیم

در آیات قرآن کریم بر این مطلب تأکید شده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صراط مستقیم قرار دارد. در سوره انعام می‌خوانیم: ﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مَّا سَأَلْنَا إِزْهَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾؛ «اگر پروردگار مرا به راه راست هدایت کرده است..». در سوره یاسین نیز آمده است: ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛ «تو از جمله پیامبرانی که در راه راست قرار داری».

انحراف پیامبر صلی الله علیه و آله در امور رهبری و هدایت مردم و با اجرای احکام و امور شخصی و جزئی هر چند به‌صورت سهوی، انحراف از راه راست است که با این آیات ناسازگار است. بنابراین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید از هرگونه انحراف و خطا مصون باشد تا مصداق کامل این آیه شریفه گردد.

۲. لزوم تبعیت محض

آیات متعددی در قرآن کریم مسلمانان را به تبعیت محض از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر

۱. قال علی رضی الله عنه: لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ، بابویه قمی، محمد، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۲۱.

۲. انعام/۱۶.

۳. یس/۴۳.

کرده‌اند، مانند:

۱. « مَا آتَاكُمْ الرَّسُولَ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ »

۱؛ «آنچه را برای شما آورد بپذیرید و آنچه را از آن نهی کرد خودداری کنید و از خدا پروا داشته باشید که او شدید العقاب است.»

۲. « مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا »؛^۲ «هر

کس از پیامبر پیروی کند از خدا اطاعت کرده است و کسی که از او سرپیچی کند ما تو را در برابر او نگهبان نفرستاده‌ایم.»

اگر پیامبر اکرم ﷺ در اجرای احکام و یا هدایت و رهبری مردم و امور شخصی و جزئی دچار سهو و اشتباه شود، دیگر نباید مورد اطاعت و پیروی مطلق مردم قرار گیرد.

اطلاق این آیات همه موارد را شامل می‌شود به همین دلیل در همه موارد مأمور هستیم که از ایشان پیروی کنیم، لازمه این امر داشتن عصمت در همه امور است. از این رو فخر رازی این آیه را قوی‌ترین دلیل بر عصمت پیامبر ﷺ می‌داند.

۳. پیامبر ﷺ الگوی مؤمنین

بر اساس آیه ۲۱ سوره احزاب پیامبر ﷺ الگوی حسنه‌ای برای مؤمنین است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا وَقَطَعًا لِلَّهِ فِي شَأْنِ الْغَوَامِ وَالْغُلَامِ مَا نَشَاءُ لِيُؤْتِيَنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَمِنْ هُنَا وَمِنْ هُنَا لَمَآةٌ مِّنْ عِلْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ»^۱ [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

این آیه نیز از جهت دلالت همانند آیات باد شده است، زیرا الگو بودن پیامبر به صورت مطلق مطرح شده است و این امر مسئله مورد بحث ما را نیز در بر می‌گیرد. یعنی زمانی پیامبر به صورت مطلق الگو خواهد بود که هیچ گناه، خطا و اشتباهی نداشته باشد.

روایات؛

به نظر می‌رسد از جهت دلالت، روایات صریح‌ترین ادله در این باره هستند زیرا علاوه بر دلالت مطلق، برخی روایات به مسئله مورد بحث ما تصریح کرده‌اند که به نمونه‌هایی

۱. حشر/۷.

۲. نساء/۸۰.

از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. حماد بن سلمة عن محمد بن اسحاق عن عمرو بن شعيب عن ابيه عن جده قال: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ «أَكْتُبُ كُلَّ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ قَالَ نَعَمْ فَإِنِّي لَا أَقُولُ فِي ذَلِكَ كَلِمَةً إِلَّا الْحَقَّ»؛ «راوی از پیامبر سؤال می‌کند آیا هر چیزی از شما شنیده‌ام بنویسم؟ پیامبر ﷺ فرمود بله؛ پرسید: آیا در حالت خوشحالی و غضب نیز بنویسم؟ فرمود: بله من در همه حالات چیزی جز حق نمی‌گویم»^۱.

۲. روایت خزیمه: براساس این روایت روزی پیامبر اکرم ﷺ شتری را از شخصی بنام سوابن قیس خرید ولی او انکار کرد سپس خزیمه در این جریان به نفع پیامبر ﷺ شهادت داد پیامبر ﷺ از او پرسید: علت شهادت تو با اینکه در زمان خرید و فروش حضور نداشتی بر این امر چیست؟ خزیمه گفت: من شما را در مورد آنچه که از آسمان خبر می‌دهی قبول دارم پس چگونه در این امر قبول نداشتی باشم و پیامبر ﷺ فرمود: کسی که خزیمه به نفع او شهادت بدهد در اثبات حقانیت او کافی است.^۲ فخر رازی در این باره می‌نویسد: اگر صدور گناه از پیامبر ﷺ جایز باشد شهادت خزیمه روا نخواهد بود. جای شگفتی است که ایشان عصمت پیامبران را در این مورد قبول ندارد اما باز هم به این روایت استدلال می‌نماید. تصریح به کل که تمام افعال پیامبر ﷺ را دربر می‌گیرد و در قالب حق و حقیقت صورت می‌گیرد دلیل بر عصمت آن حضرت می‌باشد.

۳. حضرت علی عليه السلام در حدیث شریفی ضمن بیان صفات امام یکی از آن صفات را عصمت می‌داند: «عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي بَيَانِ صِفَاتِ الْإِمَامِ قَالَ فَمِنْهَا أَنْ يُعْلَمَ الْإِمَامَ الْمُتَوَلَّى عَلَيْهِ أَنَّهُ مَعْصُومٌ مِنَ الذَّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا لَا يَزِلُّ فِي الْفِتْيَا وَلَا يُخْطِئُ فِي الْجَوَابِ وَلَا يَنْسَهُوْهُ وَلَا يَنْسِيْهُ وَلَا يَلْهُوْهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا...»^۳؛ «از امیرالمؤمنین عليه السلام در بیان ویژگی‌های امام روایت شده است که می‌فرماید: یکی از ویژگی‌های امام آن است که تو بدانی امام معصوم از همه گناهان کبیره و صغیره است و در فتوای و پاسخ دادن دچار لغزش و اشتباه و سهو و فراموشی نمی‌گردد و به چیزی از امور دنیا سرگرم نمی‌شود». از آنجا که طبق عقیده شیعه امامیه پیامبر اکرم ﷺ امام نیز هست همچنین وظایف امام رابه نحو اعلی دارد لذا در برخورداری از صفات

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲. محمدبن عمر رازی (فخرالدین)، عصمة الانبياء، پیشین، ص ۲۰۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۰۸.

نیز مشترک می‌باشند.

۴. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَا يُذْنِبُونَ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ لَا يُذْنِبُونَ وَلَا يَزِيغُونَ وَلَا يَزْتَكِبُونَ ذَنْبًا صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا»؛ «همانا پیامبران گناه نمی‌کنند زیرا ایشان معصوم و پاک هستند مرتکب هیچ گناه صغیره و کبیره‌ای نمی‌شوند و از راه منحرف نمی‌گردند.»

۵. امام صادق می‌فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفَّقًا مُؤَيَّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ لَا يَزِلُّ وَلَا يُخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ»؛ «همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله مسورد تثبیت، توفیق و تأیید روح‌القدس بود و در آنچه مردم را هدایت می‌کرد دچار لغزش و اشتباه نمی‌شد.»

در روایت‌های یاد شده دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نوشتن همه موارد و حق بودن آنها و نیز نفی هرگونه گناه صغیره و کبیره در همه موارد از جمله در امور دنیوی گواهی است که بر مدعی ما دلالت کامل و صریح دارد. در روایات امام صادق علیه السلام نیز که می‌فرماید: «... لَا يَخْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ» تصریح کامل و دقیقی است بر اینکه ایشان در حکومت و رهبری مردم دچار لغزش و خطا نمی‌گردند.

ج) سیره و اعتقاد اصحاب

طبق گزارشات موجود از سیره اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین برداشت می‌شود که ایشان نیز قائل به عصمت مطلقه پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و پیامبر اکرم در برابر این اعتقاد و رفتار هیچگونه عکس‌العملی مبنی بر رد آن انجام نداده‌اند و می‌دانیم که تقریر و سکوت پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر این عمل حجت است. اینک به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌نمائیم:

۱. در جریان تقسیم غنائم جنگ حنین که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سهم زیادی را برای «مؤلفه قلوبهم» در نظر گرفتند، شخصی بنام ذی‌الخویصره تمیمی نسبت به این تقسیم‌بندی اعتراض کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمودند: «وَيْلَكَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْعَدْلُ عِنْدِي فَعِنْدَ مَنْ يَكُونُ؟»^۳؛ «وای بر تو اگر عدالت را نزد من نتوان یافت کجا می‌توان سراغ گرفت؟» اصحاب حضرت به اندازه‌ای از این سخن به خشم آمدند که از آن

۱. همان، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۵.

۳. محمدبن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، پیشین، ج ۱، ص ۲۷. والشیبانی احمدبن حنبل، ابوعبدالله، مسند الامام احمدبن حنبل، ج ۲، مصر مؤسسه قرطبه، ص ۲۱۹.

بزرگوار اجازه کشتن او را خواستند ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد با آنان موافقت نفرمود.

شکی نیست که عکس العمل صحابه در چنین موقعی ناشی از اعتقاد آنها به امر عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

۲. در جریان صالح حدیبیه نیز که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصمیم به انعقاد قرارداد با مشرکان گرفتند عمرین خطاب نزد ابابکر رفت و نسبت به این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوبکر اعتراض کرد. ابوبکر در جواب گفت:

«إِنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وليس يعصى ربه.»^۱ «همانا او رسول خداست و هرگز خدای خود را نافرمانی نمی کند.»

۳. هنگامی که ابوبکر به خلاف رسید از زعامت و رهبری در این جایگاه هراسان و دچار تردید بود و می گفت پیامبر صلی الله علیه و آله که در این مقام قرار داشت معصوم بود اما من معصوم نیستم گفته او در این باره چنین است: «...ان رسول الله صلی الله علیه و آله كان يعصم بالوحي و كان معه ملك...»^۲

دقت در امور فوق که مورد اول با توجه به مقام و شأن قضاوت پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته و حادثه دوم در مقام انعقاد قرار داد و صلح با مشرکین بوده و نیز در مورد سوم که ابوبکر به آن اعتراف می کند مربوط به مقام رهبری و زعامت ایشان در امر اداره و رهبری جامعه مسلمین است گویای این مطلب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقام سیاست و رهبری جامعه اسلامی و همچنین در امور شخصی معصوم از خطا بوده است و ایشان این اعتقاد امت اسلامی را رد ننموده اند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آقای فولادوند.
۲. بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی، لاعتقادات فی دین الامامیه، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ه ق.
۳. سبحانی، جعفر، لالهیات، چاپ چهارم، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ ق.
۴. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد، ج ۱۹، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵.
۵. حلی، حسن بن یوسف، توار الملکوت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
۶. تراقی، محمد مهدی، نیس الموحدین، تهران، الزهراء، ۱۴۰۲.

۱. محمد بن جریر الطبری، جامع التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۶، ص ۶۰.
 ۲. علی بن حسام الدین المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، ج ۵، ص ۵۹۰.

۷. عبكرى البغدادى (شيخ مفيد) محمدبن محمدبن نعمان، وائل المقالات، چاپ دوم، بيروت، دارالمفيد، ۱۴۱۴ق.
۸. مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۹. طوسى، محمدبن حسن، لتبيان، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۱۰. صدر المتألهين، محمدبن ابراهيم، تفسير القرآن الكريم، چاپ دوم، قم، انتشارات بيدار، ۱۳۶۶ش.
۱۱. حرعاملى، محمدبن حسن، التنبيه بالمعلوم، چاپ اول، قم، مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامى، ۱۴۱۸ق.
۱۲. همدانى الاسدآبادى، ابى الحسن عبدالجبار بن احمد، نزهة القرآن عن المطاعن، بيروت، دارالنهضة الحديثه، بی تا.
۱۳. الطبرى، محمدبن جرير، جامع التبيان فى تفسير القرآن، ج ۲۶، چاپ اول، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۴. تفتازانى، مسعودبن عمر، شرح المقاصد، ج ۱، منشورات الشريف الرضى، بی تا، ص ۵۰.
۱۵. ايجى، عبدالرحمن، شرح المواقف، ج ۱، دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۱۹ق.
۱۶. ابن ابى الحديد، عزالدين ابوحامد، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نشر كتابخانه عمومى آيت الله مرعشى نجفى، ۱۳۳۷.
۱۷. رازى (فخرالدين)، محمدبن عمر بن حسين، مصممة الانبياء منشورات الكتبى النجفى، ۱۴۰۶ق.
۱۸. زمخشري، محمود، لكشاف عن حقائق التنزيل، چاپ سوم، بيروت، دارالكتب العربى، ۱۴۰۷ق.
۱۹. حلى، حسن بن يوسف، كشف المراد، چاپ ششم، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۱۶ق.
۲۰. المتقى الهندى، على بن حسام الدين، كنز العمال فى سنن الأفعال والأفعال، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۹۸۹م.
۲۱. سيورى الحلى، جمال الدين مقدادين عبدالله، للوامع الالهية فى مباحث الكلاميه، چاپ دوم، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۸۰ش.
۲۲. لشيبانى، احمدبن حنبل ابوعبدالله، بسند الامام احمدبن حنبل، مصر مؤسسة قرطبه.
۲۳. رازى، محمدبن عمر، المطالب العالیه من العلم الالهى، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۰ق.
۲۴. قدردان قراملكى، محمدحسين، بعجزه در قلمرو عقل و دين، ج ۱، قم، بوستان كتاب، ۱۳۸۱ش.
۲۵. همدانى، الاسدآبادى، عبدالجبار، لمغنى فى ابواب التوحيد والعدل، قاهره، الدار المصریه ۱۳۸۵ق.
۲۶. رازى، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتيح الغيب (تفسير الكبير)، چاپ سوم، بيروت دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.
۲۷. شهرستانى، محمدبن عبدالكريم، لملل والنحل، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۰۲ق.
۲۸. بابويه قمى، محمد، بن لايحضره الفقيه، ج ۳، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طباطبايى، محمدحسين، لميزان فى تفسير القرآن طباطبايى، ج پنجم، قم، انتشارات اسلامى جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۰. عبكرى البغدادى (شيخ مفيد)، محمدبن محمد نعمان، النكت الاعتقاديه، چاپ دوم، بيروت دارالمفيد، ۱۴۱۴.
۳۱. جوادى أملی، عبدالله، ولايت فقيه ولايت فقاھت و عدالت، ج ۳، قم، مركز نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.